

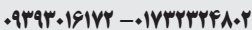


در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم

شامل مانتو، شلوار ، مقنعه و انواع شومیز

سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴ - میر مجیدی



بخشش زندگی ساز در کردکوی



داستان باغ وحش
به روایت جواد پیشگر



کتاب و خاطرات
خوش بویان



چرا زوجین در میانسال‌ی دچار ناسازگاری می‌شوند؟



راوی قصه‌های
مس و مینا



فاترازی

■ بامسؤولیت سردییر

صاحب نظران علم سیاست، سیاستمداران را از هر گونه واژه سازی مبهم و نامفهوم پرهیز داده اند. سیاست برای تدبیر امور است و افزودن واژه هایی که تعریف جامع و مانعی ندارد می تواند به پیچیدگی و ابهام بیشتر بینجامد، به این خاطر همه دست اندرکاران امر سیاست و اجتماع باید از تولید واژه های بی مبنا و بی معنا پرهیز کنند. یکی از این واژه ها که در ادبیات عمومی مسوولان کشور رواج شده است ناترازی است، گویا پیشنهادی است برای همه زمان ها و همه مکانها، بدون آنکه معنای دقیقی برای آن تعریف شده باشد. «ناترازی مدیریتی» است. ناترازی در این ترکیب «ناترازی منابع، ناترازی انرژی، ناترازی آب، ناترازی معنای، ناترازی ...» و آخرین آن که در مجلس محترم در گلستان بکار برد «ناترازی مدیریت» است. ناترازی در این ترکیب دقیقاً به چه معناست؟ به معنای ناتوانی؟ بی بسیاری؟ یا کمبود؟ یا کم ظرفیتی؟ یا بی باقی است؟ اگر کسی که کارگران را

و مدیران چهار ناترازی را بی کفایتی هسـتمـین
آیا در بخش سیاست‌گزاران و سیاست‌گذاری
ها دارای کفایت هستیم؟ آیا همه اشکالات
به ناتوانی مدیران بازمی گردد؟ اینکه با یک
جمله بخواهیم برای مشکلات تاریخی
در سیاست‌گذاری کلان سرپوشی بگذاریم
و راه گزینی به جلو نیست؟ آیا ریاست
محترم مجلس شورای اسلامی سیاست‌گزار
ایدئولوژیک چنددهه اخیر—که تاغفر استخوان
حکمرانی نفوذ کرده است—را از جمله ناترازی
ها نمی داند؟ آیا هنگامی که نخبگان به بهانه
های بی اعتبار از چرخه قدرت حذف شدند و
حکمرانی دچار فقدان توازن شد، تصور به هم
ریختن تعادل در مدیران سیستم دور از ذهن
نبود؟ آیا می شود بدون حضور شایستگان
در مجلس و جایگاههای سیاست‌گذاری
انتظار توازن در بدنه مدیریتی داشت؟
آیا از ساختار نامتوازن انتظار رفتار متوازن
و معقول است؟ آیا اینکه در سیاست‌گذاری به
توازن رسید، ایده ای که می خواهید در مدیریت
ما توازن پیروز بیافرید؟ و اما پرسش آخر
از مسئولان استانی اینکه آیا این توازن است
که در گـلـسـتـان شهروندان به پزشکـیـان رای
بدهند و تیم قلبیاف گلستان را اداره کنند؟
و بعد تبعات آن پای رییس جمهور حاضر
نوشته شود؟ برای هر یک از این پرسش ها
در عالم سیاست باید ساختنها بحث جدی کرد
تا بتوان راهی در این بن بست گشود زیرا
وقتی ساختار مدیریتی گلستان را با عقلانیت
انقلابی طراحی کردید و برای آن همایش
هم برگزار کردید، به می معنای که باید به
طور جدی هم در مفهوم عقلانیت و هم در
معنای انقلابی تاملی دوباره کنید تا فردا مثل
امروز ما شهروندان بی گناه بدکار نباشیم.

طرح گردشگری و طبیعت گردی این جزیره در دستور کار قرار گرفت و حتی شهید رئیسی دوبار از آن بازدید کرد، اما پس از ۱۵ سال، هنوز در مرحله اول باقی مانده است. آیا این تأخیر نیز نتیجه ضعف مدیران محلی است یا نشانه ای از نابرابری در اراده ملی؟ سد نوراب، پروژه ای مهم که برای تأمین آب شرب ۵۵۰ هزار نفر از مردم شرق و نوار مرزی استان طراخی شده بود با وجود تکمیل بدنه، به دلیل نبود بودجه برای جابجایی تنها سه روستا در کاسه سد، هنوز عملیاتی نشده است. سد مرزی چایلی، که با مجوز مقام معظم رهبری از منابع صندوق توسعه ملی ساخته می شد، سال هاست نیمه تمام رها شده و ۶ روستا در کاسه سد در بلا تکلیفی محض زندگی می کنند و طی این سال ها هیچگونه مجوزی برای ساخت و ساز یا تخصیص آب و برق به اهالی این روستا اعطا نشده است. این ها صرفاً نشانه های ناترازی مدیریتی اند؟ یا اینکه استان گلستان در اولویت های ملی جایی ندارد؟ نیروگاه سیکل ترکیبی علی آباد کتول با ظرفیت ۹۵۰ مگاوات فعال است. اگر طرح سیکل ترکیبی آن اجرا شود، ۵۰۰ مگاوات دیگر از محل بهره وری به ظرفیت تولید برق کشور افزوده خواهد شد.

ادامه در صفحه ۲



از ۹۵ درصد آب شرب استان از منابع زیرزمینی تأمین می شود و فرونشست زمین به دلیل برداشت بی رویه آب، به پدیده ای تهدیدکننده تبدیل شده است. استان گلستان، منابع سرزمینی خود را در خدمت امنیت غذایی کشور گلاشته، اما خود درگیر بحران آب است. آیا این عدالت است یا اجحاف در مقیاس ملی؟ کریدور شرق به غرب کشور که از مسیر بهشهر به قوچان امتداد می یابد، در بخش گلستان هنوز پس از ۳۶ سال ناتمام مانده است، در حالی که در مازندران و خراسان شمالی، همین مسیر به پایان رسیده است. جاده مهم آزادشهر-شاهرود (خوش بیلاق)، که از منظر ترانزیت کالا و اتصال شمال به جنوب کشور راهبردی

فرزاد نجفی - در جریان سفر ریاست محترم مجلس شورای اسلامی به استان گلستان و بررسی میدانی وضعیت زیرساخت های این استان، ایشان در جلسه شورای برنامه ریزی استان جمله ای بیان کردند که واکنش های متعددی را در محافل مدیریتی، رسانه ای و مردمی به دنبال داشت: «استان گلستان دچار ناترازی مدیریتی است؛ حتی اگر بودجه آن را سه برابر کنیم، اتفاق خاصی نمی افتد.» جمله ای که اگرچه ممکن است با هدف تحریک سیستم مدیریتی استان برای حرکت و تحول بیان شده باشد، اما در عمل، بر زخم عمیق تری انگشت گذاشت؛ زخمی که ریشه در نوع نگاه مرکز به این استان دارد. سؤال بنیادینی که از این جمله برمی خیزد این است که: آیا واقعا مشکل گلستان فقط ناترازی مدیریتی است؟ یا با نوعی بی توجهی ساختاری و حتی استثمار خاموش در سطح ملی مواجه ایم؟ بر اساس محاسبات سازمان جهاد کشاورزی، محصولات کشاورزی گلستان می تواند برای بیش از یک ماه کل کشور را تغذیه کند. این استان با تولید بیش از ۴,۵ میلیون تن محصول در سال، تأمین کننده کالاهای اساسی همچون گندم، کلزا، گوشت مرغ، تخم مرغ، ماهی و میگو است. اما پشت این امار درخشان، واقعیتی تلخ نهفته است. بیش

ادامه تیر اول

این طرح، تنها به ۴۰۰ میلیون یورو تسهیلات ارزی نیاز دارد که هنوز تخصیص نیافته است. در استان های همجوار، پروژه های تله کابین یکی پس از دیگری تصویب و اجرا شده اند اما پروژه تله کابین گرگان و علی آباد کتول، به بهانه های محیط زیستی یا معماری، همچنان در پیچ اداری گیر کرده اند. روستای زیارت در گرگان، با ظرفیت گردشگری بالا، در مقایسه با جواهرده

و ماسوله عملاً منجمد شده است و اجازه هیچ گونه فعالیت توسعه ای دریافت نمی کند. گرگان، به عنوان پایتخت بسکتبال ایران، دارای ورزشکارانی در سطح ملی در رشته هایی مانند کشتی، والیبال، ژیمناستیک و کبدی است. با این حال، هنوز فاقد یک سالن ورزشی استاندارد است. سالن ۶۰۰۰ نفری کریم آباد نیمه تمام مانده و بازدید دکتر قالیباف و دکتر دنیامالی وزیر ورزش نیز با جمله «اعتبار نداریم» خاتمه یافت. استان گلستان با بیش از دو درصد جمعیت کشور، تنها ۶۸ صدم درصد از منابع بانکی کشور را دریافت می کند. همچنین، سهم آن از منابع صندوق توسعه ملی کمتر از نیم درصد است. در حالی که مردمان گلستان در همه بحران های ملی پیش قدم و پشتیبان نظام و کشور بوده اند، چرا باید این چنین از منابع ملی سهمی ناچیز داشته باشند؟ اگر همه این موارد — از سد نیمه تمام گرفته تا نیروگاه

بود شهرداری بابت تعریض به آن ها تراکم مازاد می داد. مشکل از زمانی آغاز شد که شهرداری با اثبات مالکیت پروانه ساخت داد. گرفتن اثبات مالکیت در دادگاه بدون استعمال از شهرداری و آب منطقه ای و اداره های مربوط است در حالیکه مسایل شهرسازی دقیقاً در زمین های حریم بسیار تخصصی و فنی است و مهم ترینش رعایت حقوق ملکی ساختمان هایی است که با ضوابط طرح وقت ساخته شده است. کاهش حریم ۱۵ متری به ۱۰ متر پس از دیواره سازی رودخانه که آب منطقه ای تا حدود سال ۱۳۹۶ با قاطعیت بر حفظ حریم ۱۵ متری اجازه یک سانت ساخت و ساز در حریم را نمی داد مکمل گرفتاری برای ساختمان های قبلی و سو استفاده ی افراد کار بلد و دور زدن قانون برای تصرف عدوانی زمین های محل پیچ و خم های رودخانه شد چون دیواره سازی رودخانه در پیچ و خم ها مطابق نقشه هوایی انجام نشد. دیوار در برخی پیچ و خم ها سه الی پنج متر اغلب به طرف غرب جابجا شد چون در بخش غرب رودخانه اکثر زمین ها ساخته شده بود و شورای عالی شهرسازی در بخش شرقی گذر ساحلی ۱۴ متری مصوب کرده بود. ۹۹ درصد متصرفین؛ مالکان اصلی زمین ها نبودند و افرادی که در فقره زمین سازی کاربلد بودند که برخی از آن ها از طریق استعمال از اداره ثبت بیشتر از ۱۰۰ مورد تا سال ۱۳۹۷ تقاضای سند داشته اند. پس از احداث پل ها زمین های بدون سندی را که صاحبان قبلی سی سال پای آن نشسته بودند اما بخاطر الزام به رعایت طرح مصوب شورای عالی شهرسازی و جدیت و سخت گیری شدید آب منطقه ای؛ زمین هایی که باریکه ای با مترآژ کم بود و هیچ امیدی به گرفتن سند و پروانه نداشتند رها کرده بودند با ثمن بخش با مبلغ خیلی ناچیز توافقی قولنامه کردند و شبانه با مزاحمت برای مردم اقدام به دیوار کشی با بلوک می کردند. بعضی ازین مزاحمت ها برای تصرف عدوانی که با مقاومت مالکان ساختمان های قبل مواجه شدند سه الی شش سال طول کشید. طی سال های ۱۳۹۷ تا امروز به دلایل گوناگون زمین در منطقه ویژه ناهارخوران خیلی گران شد و ارزش هر جور هزینه و حاشیه هایی که

معطل، از جاده بلا تکلیف تا پروژه گردشگری رها شده— تنها ناشی از ضعف مدیریتی در سطح استان است، پس نقش سیاست گذاران ملی، دستگاه های مرکزی، بانک ها، وزارتخانه ها و نهادهای تصمیم گیر چه می شود؟ اگر بودجه سه برابر شود ولی مدیریت در تهران همچنان ناعادلانه باشد، چگونه گلستان می تواند قد بکشد؟ گلستان دچار ناترازی مدیریتی نیست؛ بلکه گرفتار نگاه ناعادلانه ای است که این استان را همواره در حاشیه نگه داشته است. مردم گلستان نه طلبکارند، نه مطالبه گر بی منطق. آنان شایسته احترام، نگاه ملی و تقسیم عادلانه منابع هستند. در چنین شرایطی، مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد قانون گذار و ناظر بر اجرای عدالت منطقه ای، وظیفه ای فراتر از تشخیص مشکلات دارد؛ این نهاد باید با استفاده از ابزارهای حمایتی خود، از جمله تخصیص هدفمند اعتبارات، اصلاح نظام های بودجه

هدف این نگارش نیست را برای متصرفان داشت. اثبات مالکیت و کاهش حریم دو زمینه ی اصلی تضییع حقوق عمومی و خصوصی در زمین های کنار رودخانه گرگان شد. نبود وحدت رویه بین شهرداری؛ دادگستری؛ اداره ثبت و آب منطقه ای از یک سو موجب از بین رفتن زمین افراد مسن و ضعیف و مظلوم شد به گونه ای که زمینی را که سی سال پیش به امید گرفتن پروانه و ساختن خانه برای خودشان و فرزندانشان خریده بودند؛ روزی که زمین نزدیک به آن ها متری ۱۵ میلیون تومان معامله شد با نا امیدی مفت با متری ۵۰ هزار تومان از چنگشان درآوردند که یکی از آن ها دق کرد و مرد و از سوی دیگر موجب سو استفاده افراد حرفه ای شد که بخاطر تجربه مکرر زمین سازی؛ قوانین ثبتی و شهرسازی را از کارشناسان اداره های مربوط بهتر می دانند. (با ی ذنب قتل: به کدامین گناه کشته شدی!!) روال سنتی سند گرفتن در ایران مراجعه به اداره اوقاف و واگذاری یک و نیم دانگ از عرصه زمین بوده که پس از جریان گرفتن بروکراسی در ایران در زمان پهلوی بنیاد پهلوی هم مسیر دیگری برای گرفتن سند شد که با تغییر نام به بنیاد علوی هنوز جریان دارد. طنز شگفت آور مضحک که هدف این مقاله است این است که اخیراً افرادی گذر و معابر عمومی شهر را سند گرفته اند. هر دم ازین باغ بری می رسد!!!! واقعا دست مریزاد دارد. شهر به کجا می رود؟! آقای ایکس ۲۰۰ متر زمین مازاد اختلافی بدقواره حاشیه زمین اصلی را خرید. در ضلع غربی دو قواره ۲۰۰ متری دیگر را که مالکان قبل خبر از کاهش حریم و طبعاً گذر ساحلی نداشتند قواره ای ۱۰ میلیون خرید. چند سال شبانه برای دیوار کشی برای اهالی ایجاد مزاحمت کرد و بالاخره زمین را متصرف شد و تا مرز ده متری دیوار رودخانه حدود ۶۰۰ متر سند گرفت. اهالی ساکن هم جوار با اطلاع رسانی به مراجع مبارزه با مفاسد اقتصادی تهران؛ سند آن ها را باطل کردند. زمین در اختیار بنیاد علوی قرار گرفت و پس از روال عرف؛ اداره ثبت دوباره به آن ها سند داد. نکته و طنز مضحک این مقاله دقیقاً همین جاست.

ریزی و پیگیری طرح های مغفول مانده، به کمک استان هایی همچون گلستان بشتابد. همچنین یکی از چالش های اساسی که باید مورد توجه مجلس قرار گیرد، مسئله قیمت گذاری دستوری در بخش کشاورزی و انرژی است که منجر به تحمیل هزینه های پنهان بر دوش استان هایی مانند گلستان شده است. این استان با تولید محصولات استراتژیک کشاورزی، عملاً بخشی از بار یارانه های ملی را به دوش می کشد، بدون آنکه سهمی متناسب از مزایای اقتصادی آن دریافت کند. بنابراین، حمایت واقعی مجلس نه در اظهارات، بلکه در طراحی یک ساز و کار عادلانه و متوازن برای توسعه پایدار مناطق کمتر برخوردار نمود پیدا می کند. گلستان، استانی نجیب است؛ اما نجابت نباید مجوزی برای ادامه دار بودن استثمار خاموش باشد.

پژوهشگر توسعه

این بار تا لب دیوار رودخانه سند گرفتند و شهرداری بابت تعریض گذر ده متری در تمام زمین باقیمانده به آن ها تراکم داده به گونه ای که مالکان ساختمان های قبل با توجه به پایان کاری که دارند حیرت زده شدند و اهالی منطقه هیچ کس تصور هم نمی کرد شهرداری تا این اندازه به آن ها تراکم بدهد. پل و دیوار رودخانه در قسمت غربی این زمین سه متر به سمت غرب جابجا شده. دو قواره زمین قبلی که کاربری آن در طرح مصوب قبل فضای سبز بوده و حتی منابع طبیعی با استعمال رسمی این دو زمین را منابع ملی اعلام کرده؛ حداقل همان حریم ۶ متری سی سال پیش را رعایت می کردند. کاش همان سند حدود ۶۰۰ متر قبلی را باطل نمی کردند حالا تا لب دیوار رودخانه ۹۰۰ متر سند گرفته اند. همه این تغییرات را که به حقوق ملکی اهالی آسیب خیلی شدید وارد کرده کارشناسان اداره های مربوط مخصوصاً کارشناسان حقوقی بنیاد علوی صدای فریاد دادخواهی اهالی را نخواستند بشنوند و فقط توجیه کردند. اما زمینی که سال ۱۳۹۷ قولنامه ای خریده شده در طرح مصوب شورای عالی شهرسازی ۱۳۸۲ گذر ۱۴ متری بوده ۲۲ سال بعد چطور خیابان عمومی شهر را می شود سند گرفت؟

شهرداری می گوید ما ناگزیریم به کسی که سند دارد برابر ضوابط پروانه بدهیم و بابت تعریض گذر تراکم مازاد. حفاظت از حقوق ملکی ساختمان هایی که قبل از آقایان کاربلد با رعایت ضوابط قانونی پایان کار گرفته اند و در صورت ساخت این سازه غول پیکر و مرتفع دیگر آفتاب را هم نخواهند دید؛ بر عهده کیست؟ کدام نهاد باید پاسخگوی چنین ستم زشتی به اهالی ساکن منطقه باشد؟

دادگاهی که اثبات مالکیت داده یا بنیاد علوی ؟

آشفته گی و بی سر و سامانی تا کجا؟

گرفتن سند خیابان شهر؛ آن هم ۲۲ سال پس از طرح مصوب تجاوز آشکار به حقوق عمومی و توهین به شعور جمعی شهر است.

شهروند گرگانی

بخشش زندگی ساز در کردکوی



ریش سفیدان و صلح یاران برای جلب رضایت بی نتیجه مانده بود، اما امروز، معجزه ای رخ داد. حیدر آسیابی اظهار کرد: در حالی که محکوم در آستانه اجرای حکم بود، پادرمیانی دادستان کردکوی، اعضای اجرای احکام دادر، شورای حل اختلاف و صلح یاران، قلب اولیای دم را نرم کرد و آنها به حرمت میلاد امام رضا(ع) از قصاص گذشتند و رضایت خود را اعلام کردند. این بخشش، دومین مورد در سال جاری و ادامه سنت حسنه ای است که سال گذشته ۲۲ محکوم به قصاص را در گلستان به آغوش زندگی بازگرداند.

در میلاد امام هشتم (ع)، قلب های اولیای دم در کردکوی به تپش عشق و بخشش افتاد و محکومی که در چند قدمی اجرای حکم قصاص ایستاده بود، با گذشت بزرگوارانه خانواده داغ دیده، فرصتی دوباره برای زندگی یافت. به گزارش روابط عمومی دادگستری گلستان، این جوان محکوم در سال ۱۳۹۹ در پی یک نزاع دسته جمعی، ناخواسته سبب مرگ پدري شد. رئیس کل دادگستری گلستان گفت: با درخواست اولیای دم، حکم قصاص صادر و پس از طی مراحل قانونی، در نوبت اجرا قرار گرفت و تلاش های پیشین



داستان باغ وحش

THE ZOO STORY by Edward Albee
 نویسنده: ادوارد آلبی
 مترجم: داریوش مودبیان
 طراح و کارگردان: جواد پیشگر
 بازیگران: حسن رستبانی، رهاشکری
 ملیح‌الملک جعفریان، فاطمه مزرعی
 از ۲۵ اردیبهشت الی ۳۰ خرداد ۱۴۰۴
 ساعت ۱۹:۰۰ / سالن نگاه
 تهیه و تولید: سایت تیوال
 www.tiwall.com



ملک جعفریان و فاطمه مزرعی در این اثر ایفای نقش خواهند کرد. تعداد بازیگران این اثر از این حیث که نمایشنامه اصلی به قلم ادوارد آلبی تنها از ۲ بازیگر برخوردار است، در نوع خود جالب و توجه برانگیز است. همچنین لازم به ذکر است که این نخستین باری است که داستان باغ وحش در گرگان اجرا می‌شود.

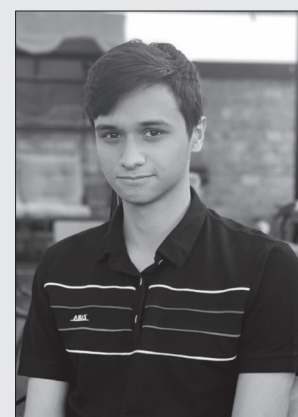
فعال رسانه‌ای

پیشینیان می‌ریزد. این طغیان در آثار بعضی هنرمندان با کورسویی امید همراه است و در آثار برخی دیگر کاملاً از سر استیصال و ناامیدی ست. تمرکز اثر مذکور بر دیالوگ و تعداد پایین شخصیت‌ها، کنش‌ها و وقایع داستانی موجب چالش برانگیزی اجرای آن برای هر کارگردانی است. گفتنی است که داستان باغ وحش به روایت جواد پیشگر با ترجمه داریوش مودبیان اجرا خواهد شد. همچنین حسن رستمی، رها شکری، هلیا

استاد پیش‌کسوت تئاتر در تالار فخرالدین اسعد گرگانی روی صحنه خواهد رفت. این اثر نمایشی از ۲۵ اردیبهشت الی ۳۰ خرداد ۱۴۰۴ در سالن نگاه اجرا خواهد شد. جواد پیشگر که با آثار مختلفی موفق به کسب جوایزی در جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی از جمله ABU (رادیو و تلویزیون‌های آسیا و اقیانوسیه) و URTR فرانسه شده، این بار در گرگان به استقبال نمایش صحنه‌ای داستان باغ وحش می‌رود. این اثر تک‌پرده‌ای که سال ۱۹۵۸ توسط ادوارد آلبی در مدت ۳ هفته نوشته شد، مانند بسیاری از آثار نمایشنامه نویسانی چون کامو و بکت در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، اثری ابرزورد به شمار می‌رود که تلاش دارد تنهایی و انزوای انسان، پوچی و بی‌معنایی زندگی، اختلاف طبقاتی، مرگ انسانیت، خشونت و شکست ایده‌های روشن‌گرایانه سالیان پیشین را منتقل کند. نمایشنامه داستان باغ وحش تنها دو شخصیت به نام‌های جری و پیترا را شامل می‌شود که در یک شب به ظاهر عادی و مهتابی در یک پارک عمومی به گفت و گویی عمیق می‌نشینند. پیترا مردی مرفه و محافظه کار از طبقه متوسط است که از خودش تمایل چندانی به گفت و گو نشان نمی‌دهد. در مقابل، جری که شخصیتی رند، سرگردان و غیرقابل پیش بینی جلوه می‌کند، ضمن ارتباط‌گیری با پیترا، وجه‌های مختلفی از ابعاد شخصیتی خودش را رو می‌کند. داستان باغ وحش را می‌توان اثری دیالوگ محور در زمره آثار واقع گرا و نمادگرا دسته بندی کرد که با جنبه‌های روان شناختی عمیقی که در بر می‌گیرد، در پی واکاوی کنه وجود آدمی و نمایش باطن سیاه جوامع انسانی است که همواره انکار شده و به آن پرداخته نمی‌شود. هنر ابرزورد پس از جنگ جهانی دوم، از این جهت طغیانی علیه هنر کلاسیک گذشته قلمداد می‌شود که رنگ سیاه واقعیت را بر ایده‌های آرمان گرایانه



داستان باغ وحش به روایت جواد پیشگر



مهران مودنی

داستان باغ وحش، اثر ادوارد آلبی، نمایشنامه نویس آمریکایی به کارگردانی جواد پیشگر،

کتاب و خاطره



وی افزود: دانش‌آموزم آن روز به‌وضوح جلو همکلاسی‌هایش گفت که خیلی رنگ پوستش سیاه است ولی خودش را دوست دارد. بعد یکی دیگر از پسرها گفت من هم موهایم خیلی سیخ سیخی است ولی خودم را دوست دارم و همین‌طور بچه‌ها یکی بعد دیگری شروع به صحبت کردند. ددقی زاده گفت: در آن لحظه فهمیدم که چقدر موفق بودم و این برای من کافی بود. حتی وقتی یکی از غیرقابل‌کنترل‌ترین دانش‌آموزانم برای همکلاسی‌هایش با بیل بر روی تپه پله درست کرده بود تا آن‌ها بتوانند بدون سُر خوردن به خانه بروند، فهمیدم راهی برای نفوذ به ذهن و دل همه وجود دارد و متوجه شدم که او کتاب‌هایی با مضمون مهربانی را می‌خواند. همچنین جا دارد که اشاره‌کنم، به پیشنهاد و رأی جمعی بچه‌ها، نام باشگاه کتاب‌خوانی را «بویان» انتخاب کردیم. بویان، نام یک گیاه دارویی است

زدن و خواندن کتاب؛ بعضی از بچه‌ها می‌پرسیدند که چه می‌خوانم و بعضی‌ها هم با کتاب خودشان می‌آمدند و همراه من قدم زده و کتاب می‌خواندند. ددقی زاده ادامه داد: ما کتابخانه نداشتیم اما قفسه‌های کهنه‌ای داشتیم که رنگ کردیم و از بچه‌ها خواستیم که برای کتابخانه اگر کتابی در خانه‌دارند که از آن استفاده نمی‌کنند به مدرسه هدیه بدهند که مقداری کتاب از این طریق جمع شد و مقداری کتاب هم خریداری کردیم و کتابخانه تجهیز شد. وی افزود: تعداد کم بود ولی شروع خوبی بود تا اینکه آموزش و پرورش دستورالعمل جشنواره کتاب‌خوانی را فرستاد و من در آن شرکت کردم و برای تشکیل گروه‌ها و چگونگی کار، دوره‌ای یک‌روزه دیدم. در گام بعد با معلم‌ها جلسه‌ای گذاشتم و معلم‌ها مسئولیت تشکیل گروه‌ها را بر عهده گرفتند. ددقی زاده گفت: از طرفی من خودم با بچه‌هایی که علاقه‌ای به کتاب نداشتند دو گروه تشکیل دادم؛ در واقع قصدم از کتاب خواندن و شکل دادن عادت کتاب‌خوانی در دانش‌آموزانم این بود که بچه‌ها شروع فکر کردن درباره خودشان، برقراری ارتباط با خودشان و منتظر نبودن برای یک منجی که بیاید و مشکلات آن‌ها را حل کند را در خود پیدا و تقویت کنند.

منجی خودتان هستید

وی سپس پس از ذکر خاطراتی از دشواری‌هایی که خودش و دانش‌آموزان در آن روستا با آن دست‌وپنجه نرم می‌کردند، عنوان کرد: پُلی روستا را به مدرسه وصل می‌کرد که متأسفانه طی بارندگی‌ها خراب‌شده بود و بچه‌ها از کف رودخانه عبور می‌کردند و وقتی باران می‌آمد زمین گلی و سُر می‌شد اما برای مواجهه با چنین شرایطی سعی می‌کردم کتابی انگیزشی برای بچه‌ها با محوریت کمک و همدلی و همیاری و سازندگی یا قبول آنچه که هست انتخاب کنم و بخوانم. ددقی زاده ادامه داد: بعد از خواندن کتاب مثلاً می‌گفتم؛ به نظر شما این اتفاقی که در داستان افتاده در زندگی شما هم افتاده یا خواهد افتاد؟ تا اینکه یک روز یکی از بچه‌ها گفت که خانم اجازه من دیروز یک کتاب خواندم درباره جوجه‌ای که خودش را دوست نداشت و بعد فکر کردم من خودم را دوست دارم؟!

کلاله و نه حتی در گوشه‌ای از استان گلستان و این مرز پرگهر، بلکه کیلومترها دورتر به‌اتفاق همسر و پسرش در ساکرامنتو ایالت کالیفرنیا آمریکا زندگی می‌کند، ولی همچنان یاد روزهای باشگاه کتاب‌خوانی بویان و دانش‌آموزانش در دل و ذهنش زنده بوده و دوستی با کتاب را فراموش نکرده است. با او درباره نحوه شکل‌گیری باشگاه کتاب‌خوانی بویان و فضای روستای کتاب دوست قره‌آغاج و زندگی شخصی و فعالیت‌های کتاب محورش از زمان مهاجرتش از ایران و مدتی زندگی در افغانستان و تاجیکستان و چند کشور دیگر تا اکنون آمریکا و نیز دوران نویسندگی و حتی نمایشنامه‌نویسی‌اش به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه از نظر مخاطبان می‌گذرد.

مأنوس با داستان و آشنایی با جهان تئاتر

لطیفه ددقی زاده در ابتدا با اشاره به اینکه نویسندگی را از زمان دانشجویی‌اش به‌طور جدی شروع کرده بود، گفت: من سال‌ها داستان کوتاه می‌نوشتم و از مؤسسان انجمن داستان قلم در شهرم کلاله بودم؛ اما نقطه عطف زندگی‌ام در عالم نویسندگی و بیشتر مأنوس شدنم با کتاب و کتاب‌خوانی، آشنا شدنم با جهان نمایشنامه‌نویسی و شرکت در کارگاه‌های نمایشنامه‌نویسی جلال تهرانی به مدت ۱۴۴ ساعت در سال ۱۳۸۶ به میزبانی شهر گرگان بود. وی افزود: شروع تئاتر و نمایش‌نامه نویسی برای من یک شروع ویژه بود چون کاملاً دنیای من را، نگاهم به دنیا به‌ویژه نگاهم به خودم را تغییر داد و از آن زمان رابطه بسیار خوبی با کتاب پیدا کردم. گاهی می‌شد در یک صفحه گیر می‌ماندم و درباره خط به خطش فکر می‌کردم و این مسئله باعث می‌شد به اعماق خودم بروم و چیزهایی را بیرون بکشم. از این کار واقعاً لذت می‌بردم و خروجی تمام آن‌ها شرکت در چندین جشنواره تئاتری شد که گاهی خیلی موفقیت‌آمیز و گاهی نبود.

آغاز مسئولیت سنگین

لطیفه ددقی زاده در بخش دیگری از سخنانش درباره تجربه حضورش به‌عنوان یک فرهنگی و نیز نویسنده در روستای کم برخوردار قره‌آغاج و قدم‌های نخستین برای رونق فرهنگ کتاب‌خوانی در مدرسه و روستا و باشگاه کتاب‌خوانی بویان گفت: وقتی قرار شد برای معاونت مدرسه بروم روستا، واقعاً نمی‌دانستم چه چیزی در انتظارم هست. معاونت دو مدرسه بافاصله تقریباً یک کیلومتری خیلی مسئولیت سنگینی بود، یک هفته مدرسه پایین‌(نیکان) بودم و یک هفته مدرسه بالا(سعادی)، بچه‌ها دوزیانه بودند و ارتباط خوبی با کتاب نداشتند. وی افزود: دوست کردن آن‌ها با کتاب سخت بود، اولین کارم این بود که در زنگ‌های تفریح کتاب به دست می‌رفتم حیاط مدرسه و شروع می‌کردم قدم

اشاره:

سال‌ها پیش لطیفه ددقی‌زاده نویسنده و فرهنگی کلاله‌ای، چراغ کتاب دوستی را در دل و زندگی دانش‌آموزان روستای کم برخوردار قره‌آغاج روشن کرد. او حالا کیلومترها دورتر و در ایالت کالیفرنیا زندگی می‌کند و در گفت‌وگویی خواندنی از خاطرات باشگاه کتاب‌خوانی بویان و قصه پرماجرایی مهاجرتش گفت.

سید حسن حسینی نژاد

در نیمه دوم سال ۱۳۹۷ شمسی، خبری فرهنگی روستای قره‌آغاج از توابع شهرستان کلاله در شرق استان گلستان را در کانون توجه‌ها قرارداد. روستایی کم برخوردار که در آن زمان سکنه‌اش از نعمت آب آشامیدنی و گاز محروم بودند اما به همت جمعی از فعالان فرهنگی و کودکان و نوجوانانش ۱۵ باشگاه کتاب‌خوانی فعال داشت و رونق کتاب و کتاب‌خوانی چنان در این گوشه از استان گلستان ریشه پیدا کرده بود که گاهی میزبان نویسندگانی نام‌آشنا در عرصه ملی می‌شد. در آن زمان و به همت هلدینگ در پایتخت، مسابقه‌ای باهدف ترویج فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی برپا شد و مقرر بود شرکت‌کنندگان از نقطه‌ای که از آن برای مطالعه استفاده می‌کنند عکس بگیرند و با کپشن کوتاهی از متن کتابی که در حال مطالعه‌اش هستند با هشتگ مسابقه در فضای مجازی به اشتراک بگذارند. لطیفه ددقی‌زاده، معلم مدرسه سعادی تسهیلگر باشگاه کتاب‌خوانی بویان در روستای قره‌آغاج با ارسال عکسی در این مسابقه شرکت کرد و در انتها با رأی داوران و مردم، عکسش به‌عنوان اثر ویژه انتخاب شد. در آیین اهدای جوایز این مسابقه وقتی ددقی‌زاده پس از دریافت تندیس ویژه و جایزه‌اش شرحی از وضعیت مدرسه و روستا را ارائه کرد، مدیرعامل هلدینگ پس از شنیدن وضعیت روستا و مشاهده تصاویر مدرسه‌ای که ددقی‌زاده در آن به تدریس مشغول بود کلیه هزینه‌های تجهیز سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی مدرسه و همچنین کتابخانه را تقبل کرد. همچنین هلدینگ برای ۱۷۴ دانش‌آموز محروم روستا کاپشن و کفش و برای هر کلاس یک عدد تخته وایت بُرد تهیه و ارسال کرد که این اقدام حسنه که بانی‌اش کتاب و شخص لطیفه ددقی‌زاده بود همچنان در ذهن اهالی روستا و فرهنگ دوستان گلستانی به یادگار مانده است. از آن روزها بیش از ۶ سال گذشته، ددقی‌زاده اکنون نه در قره‌آغاج، نه در



ت خوش بویان

قصه‌خوانی می‌توانم انجام دهم و از آنجایی که دستی به نوشتن دارم ساختن قصه‌ها برایم شیرین است.

مواجه روزمره با کتاب در ساکرامنتو

وی ادامه داد: می‌خواهم به چیزی جالب که در اینجا با آن مواجه شدم اشاره کنم. اینکه در ساکرامنتو و در هر محله و در کنار خیابان، قفسه‌های کتاب کوچکی می‌بینم که داخل آن پُر از کتاب است و مردم کتابی که خوانده‌اند را آنجا قرار می‌دهند تا بقیه هم از آن استفاده کنند. حتی گاهی در لاندی‌ها کتاب قرار می‌دهند تا افراد در حال انتظار کتاب بخوانند. ددلی زاده سپس تاکید کرد: من باور دارم کتاب‌ها فقط داستان نیستند بلکه پلی برای ارتباط با خودمان، دردها و دغدغه‌هایمان با دیگران است. وقتی کودک یا بزرگسال با یک جمله از کتاب دگرگون می‌شود یعنی اتفاقی افتاده، یعنی جهان کمی بهتر شده و اگر مادری بتواند با کتاب فرزندش را بفهمد و اگر کودکی بتواند خودش را دوست داشته باشد، ما به سمت آینده‌ای روشن‌تر حرکت می‌کنیم.

آرزویی برای آینده با بچه‌های روستا

ددلی زاده در پایان با اشاره به اینکه همیشه این مثال در فامیل همسر زده می‌شود که آرتا (پسر) با ۱۲ کتاب مهاجرت کرد، گفت: از آن روزها و سال‌ها خاطرات پرشماری دارم و آن‌ها را فراموش نکردم. وی افزود: از کیلومترها دورتر و همچنان با حدود ۸۰ نفر از دانش‌آموزم از طریق فضای مجازی در ارتباطم و دوردور از آن‌ها باخبرم. پُل مدرسه را درست کرده‌اند و جاده روستا کاملاً آسفالت شده است و همچنان گویا دغدغه گاز و آب آشامیدنی دارند. برخی از دخترانم ازدواج کرده‌اند و بعضی از پسرانم و دخترانم در خوابگاه هستند و درس می‌خوانند و نیز برخی برای کار به تهران و ترکیه رفتند و تعداد کمی در روستا باقی‌مانده‌اند. برای همه آن‌ها آرزوی موفقیت و سرپلندی دارم و شاید روزی بتوانم یک باشگاه مجازی کتاب‌خوانی با بچه‌های روستا از سراسر دنیا راه بیندازم. لطیفه ددلی زاده متولد بهمن ۱۳۳۳ در شهرستان کاله است. او چهار سال دوران ابتدایی‌اش را در روستای اجن سنگرلی درس خواند و بقیه دوران تحصیلش در مراوه‌تپه و کاله گذشت. ددلی‌زاده دانش‌آموخته علوم تربیتی است و در کنار داستان‌نویسی و نمایشنامه‌نویسی و تسهیلگری کتاب از دوران دانشجویی به مدت ۸ سال تجربه فعالیت و همکاری در مرکز توان‌بخشی طلوع مهر شهرستان کاله را داشته است. همچنین او در مدت حضور در روستای قره‌آغاج، به مدت یک سال معلم کلاس سوم مدرسه سعدی بود و به مدت دو سال معاونت مدرسه‌های سعدی و نیکان را بر عهده داشت.

آماده داشتیم که اگر فرصتی شد از کشور خارج شویم. ددلی زاده گفت: خوشبختانه طالبان حکم عفو صادر کردند و گفتند با مردم کاری ندارند، بعد از چند ماه که اوضاع آرام و مطمئن شد افغانستان را به مقصد ایران ترک کردیم.

بازگشت به وطن اما ...

لطیفه ددلی زاده در ادامه با اشاره به اینکه متأسفانه در ایران برای گرفتن اقامت همسر به مشکل خوردیم، گفت: پرونده ما دست کارمند تازه‌کار و با اطلاعات ضعیف افتاده بود و هر وقت نامه می‌زد به وزارت داخله، نامه به علت اشتباه تایپی یا تاریخی برگشت می‌خورد. وی افزود: به خاطر این اشتباه‌ها ویزای همسر تمدید نمی‌شد و مجبور می‌شد از کشور خارج و دوباره برگردد. از طرفی بدون اقامت اجازه کار نداشت و در میان مشکلات فراوان پسر به دنیا آمد. ددلی زاده ادامه داد: برای پسر شناسنامه درخواست دادیم ولی موفق به گرفتنش نشدیم. فشار روانی بسیاری بر روی ما بود تا اینکه تصمیم گرفتیم ایران را ترک کنیم و به پاکستان رفتیم.

با کتاب‌هایی از ایران تا آمریکا

لطیفه ددلی زاده در ادامه عنوان کرد: برای مصاحبه در سفارت آمریکا و نیز صدور ویزا حدود ۲ ماه از فصل تابستان را در پاکستان زندگی کردیم. برای پسر از ایران مجموعه کتاب‌هایی گرفته بودم و فقط دو اسباب‌بازی داشت و بیشترین سرگرمی او تماشای عکس‌های کتاب و خواندن کتاب بود. وی افزود: تا اینکه بالاخره ما در خرداد ۱۴۰۲ (ژوئن ۲۰۲۳) وارد آمریکا شدیم و زندگی ما کاملاً تغییر کرد. همه ما اقامت گرفتیم و همسر از همان روز اول اجازه کار داشت و در ادامه اجازه تحصیل رایگان و امنیت روانی برای ما که در هیچ‌کدام از کشورهایی بودیم و نداشتیم مهیا شد. در آمریکا فعالیت کتابی مثل کاله متأسفانه ندارم، فقط گاهی برای دوستانی که اینجا دارم کتاب‌هایی را معرفی می‌کنم و بعد از خواندن کتاب کمی درباره آن باهم صحبت می‌کنیم. بیشترین زمانم را برای پسر می‌گذارم و دلم می‌خواهد او بتواند فارسی بنویسد و بخواند. وی افزود: برایش هر شب قبل خواب حداقل ۲ داستان فارسی می‌خوانم و آهنگ‌های کودکانه فارسی گوش می‌دهیم. همچنین از آنجایی که زبان مادری من ترکمنی است با او ترکمنی صحبت می‌کنم. الان پسر تسلط کامل به فارسی دارد و بسیار زیبا قصه می‌گوید. او تمام احساساتش را در سه‌سالگی بیان می‌کند و من همه این‌ها را مدیون کتاب‌هایی هستم که در قالب قصه برای او می‌خوانم. ددلی زاده افزود: هر رفتاری را بخوام در او تغییر یا آموزش دهم از طریق



عجیبی بود. وی با اشاره به اینکه عنوان می‌شود بسیار سفر باید کرد تا پخته شود خامی و من در عمل دیدم و رسیدم، گفت: من با این مثل واقعاً زندگی کردم. تا زمانی که انسان در یکجا و در شرایط عادی است و در خانه امنش قرار دارد، بسیاری از احساس‌ها و اتفاق‌ها را تجربه نمی‌کند. ددلی زاده افزود: در شهر کابل و در آپارتمان‌های گلپهار ستر رویه‌روی ارگ ریاست جمهوری زندگی می‌کردیم که از نظر امنیتی بسیار حساس بودند. هیچ اتومبیلی اجازه ورود به خیابان ما را مگر با کارت مخصوص ساختمان نداشت. وقتی قدم به کابل گذاشتم فکر می‌کردم به یک منطقه نظامی بزرگ وارد شده‌ام. وی ادامه داد: اما با تمام این احوال مردم با من بسیار مهربان بودند. در ساختمان ما کودکانی بود که بچه‌های ساختمان به آنجا می‌رفتند و حدود سی شاگرد داشتند که من در آنجا برای بچه‌ها کتاب می‌خواندم. برخی از کلمات فارسی مرا متوجه نمی‌شدند و گاهی من کلمات کابلی را متوجه نمی‌شدم ولی برایمان ارتباط بسیار جذاب بود و مرا استاد ایرانی صدا می‌کردند.



زندگی در دوشنبه و سقوط کابل

لطیفه ددلی زاده گفت: بعد از هفت ماه افغانستان را به مقصد تاجیکستان و شهر دوشنبه ترک کردیم. شرکت همسر پروژه‌ای در دوشنبه داشتند و ما حدود شش ماه در تاجیکستان زندگی کردیم. وی افزود: شهری بسیار آرام و مردمی مهربان با زبانی بسیار زیبا، قدیمی‌های آن‌ها کمتر روسی قاتی زبانشان بود ولی جوان‌ترها کلمات روسی بسیاری استفاده می‌کردند. نیمه‌شب‌ها برای پیاده‌روی از خانه خارج می‌شدیم و شهر امنیت بالایی داشت. دوشنبه را دوست داشتم و بسیار شهر آرامی بود، پروژه که به اتمام رسید همراه همسر به کابل بازگشتیم و آماده برگشتن به ایران بودیم که کابل سقوط کرد و طالبان کشور را گرفت. وی ادامه داد: فرودگاه و مرزهای زمینی بسته شد و مادر کابل ماندیم. روزهای ترسناکی بود و تمام مدارک شرکت را چون خارجی بود و از نظر طالبان همکاری با خارجی‌ها حکم خیانت داشت نابود کردیم. از کل زندگی فقط یک چمدان

که ترکمن‌ها از ریشه‌اش که مرهم بسیاری از دردها است استفاده می‌کنند. باور داشتیم کتاب همچون بویان مرهمی برای ما است و نیز می‌خواستیم حس خوب کتاب و کتاب‌خوانی در ما ریشه بزند و جان ما را درمان کند.

کرونا و فصل جدید زندگی

لطیفه ددلی زاده در ادامه صفحه دیگری از زندگی‌اش را ورق زد و گفت: دقیقاً اوج کرونا بود که من ازدواج کردم. همسر من ایرانی نیستند و اهل کشور افغانستان است و با او از طریق یک دوست مشترک آشنا شدم. روزهای کرونایی بود و ویزا صادر نمی‌شد و حتی محدودیت مسافرت بود، خیلی به‌سختی از طریق وزارت خارجه افغانستان و سفارت افغانستان به من ویزا دادند تا بتوانم وارد کشورشان بشوم که البته رفتن من همراه با اتفاقات خیلی



«آگهی ثبتی»

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۴

[illegible]

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵/۳۱۲۰/۱۴۰۶ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کالاه نصرفات مالکانه به باعلامعارض متقاضی آقای /خانم سوسن آب نین فرزند سیاه مرد به شناسنامه شماره ۲۲۴۰ صادره از د شهرستانک یک قطعه زمین مزرعی به مساحت ۱۰۷۲۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۰۹- اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کالاه انتقال ملک بواسطه از مالک رسمی (قره) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت سه ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت نقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۴/۳/۲۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۴/۳/۲۶

نهم سالری - رئیس ثبت اسناد و املاک کالاه- م الف ۸۷۳۷

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شمار ۱۴۱۰۰۸۰۳۷۱۲۰ تاریخ ۱۳۰۳/۱۲/۱۵ هیات موسوع قانون تعیین تکلیف
پروصیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا
ورونده کسر ۳۹۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ تصرفات مالکانه و بلاعارضه مقتضای آرای حاکم
محمد شریع‌محمولی فرزند ذکریا به شماره شناسنامه ۳۰۷ کدملی ۲۶۹۱۲۲۵۹۶۱ صادره علی آباد کتول

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۰۰۸۸۰۰۰۰۱

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان در نظر دارد

نسبت به برگزاری مناقصه عمومی برای انجام فعالیت های خدماتی و پشتیبانی در اداره کل و مجتمع های فرهنگی و هنری سطح استان اقدام و خدمات فوق را به اشخاص حقوقی واجد شرایط که دارای مجوز از مراجع ذیصلاح می باشند واگذار نماید. لذا واجدین شرایط جهت کسب اطلاعات بیشتر از تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی setadiran.ir و پایگاه اطلاع رسانی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان به آدرس golestan.farhang.gov.ir مراجعه نمایند.

مواعد زمانی:

– مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴
– زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴

- مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳

۱۹۲۷۷۲۷

در ششادگان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۸۳۰/۷۵ متر مربع مغزوف و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۴۹ فرعی از ۵ - اصلی واقع در سق قلا- اراضی قریه گرجی وال- بخش ۱۲ - حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا سهمی مالک رسمی نورگلدی بدراق نژاد ایشگر گردیده است. لذا به منظور اعلام عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص به نسبت به صدور سند مالکیت مقاضای اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۴۰۴/۰۲/۲۱

همانز جهاغفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا الف: ۱۷۹

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۸۵۵۱۰۳۱۲۰۴۷۳۶ تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه از ۹۷۹۶۹۸۷۱۰۸۵۴۴ تا ۹۷۱۵۷۱۱۱۱۱ تصرفات مالکانه و مقاضای آقای سلیمان گری فرزند از محمد به شماره شناسنامه ۳۳۷۵۷۵۷۵ مدخلی ۴۹۷۹۶۹۸۷ صادره آق قلا در ششادانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۷۸۶ متر مربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱۳- اصلی واقع در آق قلا- اراضی قریه یلمه سیالان - بخش ۱۲- حوزه رتبی ملک شهرستان آق قلا تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در اونویس به فاصله ۱۵ روز آگاهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت مقاضای اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

صورت انتشار نوب اول: شنبه ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ تاریخ انتشار نوب دوم: یکشنبه ۱۴۰۴/۰۲/۲۱

منازج جهانفر نویسنده اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف: ۱۸۲

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۲۶۸۰۰۰۵۳۳ تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف و وضعیت ثبتی اراضی و عرصه‌ها، ۹۹۵۹۹۴۱۰۱۸۷۴۰۰۰۰۰۰ تصورات مالکانه و بااعراض متقاضی آقای سلیمان گری کارلس فرزند ازاد محمد به شماره شناسنامه ۳۵۷ کدملی ۹۹۷۹۶۹۸۷۰۰ صادره آقا قلا در ششادانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۲۱۰۹۶ متر مربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱۳- اصلی واقع در ارضی قرب بنامه سالیان- بخش ۱۲- حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی متقاضی آقای سلیمان گری از سند تفکیک پلاک شماره ۱۵۳۷ مورخه ۱۳۵۹/۰۸/۱۲ دفترخانه ۴ تأیید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب رد دونویت به فاصله ۱۵ روز آگاهی می شود در صورتی که شاخصان نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگاهیه به مدت ده ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دواخواست خود را در مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۴۰۴/۰۲/۲۱

مهناز جعفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف: ۱۸۰

تمديد آگهی مزایده اراضی

آستان قدس رضوی

پيرو آگهي مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۸ بدینوسیله به اطلاع می رساند

مهلت شرکت در مزایده دو قطعه زمین مسکونی و آموزشی تا

مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ تمدید گردیده است.

جهت کسب اطلاعات بیشتر از طریق مراجعه حضوری و یا با شماره

تماس ۳۲۲۲۶۱۶۱ تماس حاصل فرمایید.

چرا زوجین در میانسالی دچار ناسازگاری می‌شوند؟

تهنهایی از بیمار مراقبت کند و دریافت حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی می‌تواند در حفظ وضعیت زوجین کمک کننده باشد.

راهکارهای حفظ رابطه سالم زوجین از جوانی تا کهنسالی

سلامت روانشناختی و جسمی زوجین از کودکی فردی که سلامت روان شناختی و جسمی دارذ زندگی غنی‌تری خواهد داشت و روابط سالم‌تری را تجربه میکند. زیرا، سوگیری‌های شناختی، قضاوت‌های ناکار آمد، رفتارهای غیر مؤثر و انتخاب‌های نادرست کم‌تری دارد. پس، گذر موفقیت آمیز از هر دورهٔ سنی و رشدی، راه را برای موفقیت‌های آینده هموارتر خواهد کرداز این منظر، بیشتر راهکارهایی که می‌توان برای موفقیت یک فرد در ازدواج ارائه داد به دوران قبل از ازدواج و در ارتباط با والدین، مدرسه و جامعه بر می‌گردد. والدینی که با مراحل رشد کودک و نیازهای جسمی و روان شناختی او در هر مرحلهٔ زندگی او آشنایی دارند و می‌دانند کودکی چیست، نوجوانی چیست و فرزندان در هر کدام از این مراحل برای رشد شناختی و روان شناختی چه نیازهایی دارد، می‌توانند فرزندان سالم‌تری تربیت کنند.

آموختن مهارتهای ضروری زندگی

یادگیری مهارت‌های ضروری مانند مهارتهای ارتباط مؤثر، کنترل هیجان، تصمیم‌گیری، جرأت مننی، مدیریت زمان و برنامه ریزی، ارزش‌گزینی و هلف گذاری، خود مراقبتی، مهارت ذهن آگاهی، خود آگاهی، همدلی، مهارت‌های شناختی مانند توجه و تمرکز، شنیداری و دیداری، حل مسأله، تفکر نقاد و خلاق، تسهیل هویت‌یابی و تقویت اراده می‌توانند در تربیت انسان سالم و آیندهٔ ارتباطی او مؤثر باشند. فردی که مراحل رشد قبلی خود را اینگونه و به سلامت و موفقیت طی کرده باشد، فرد بزرگسال، جوان، در شرف استقلال‌ی است که ارزشهای خود را می‌شناسد و زندگی هدفمندی را برای خود برنامه ریزی کرده است. این فرد حتی وقتی زندگی سخت می‌گیرد و شکست می‌خورد فرد شکست خورده‌ای نخواهد بود چون میداند هر شکست در سیاست که کوله بار تجربه های او را غنی ترخواهدکرد. او درگذر ايام، معنایهای زیادی برای زندگی خود پیدا میکند و زندگی عمیقتری خواهد داشت. او فرد بزرگسالی خواهد شد که برای طی سفر زندگی، همسفر مطمئن تری را انتخاب خواهد کرد.

آشنایی با ضعف ها و ایرادهای خود و رفع آن

فردی که در آستانهٔ انتخاب شریک زندگی یا شریک عاطفی است و می‌داند در برقراری ارتباط و پذیرفتن مسئولیت های خود در برخی از جنبه ها ضعف دارد می‌تواند هر کدام از مهارت های معرفی شده در بالا را بیاموزد و خود را ارتقا بدهد. مشاوره های پیش از ازدواج در انتخاب شریک زندگی کمک مؤثری خواهد بود. فردی که در ارتباط با همسر و فرزندان خود مشکل دارد نیز، بعد از شناخت مشکل و علت ایجاد آن می‌تواند با استفاده از مهارت حل مسأله، همراه همسر و اگر نیاز باشد فرزندان، به مقابله با مشکل اقدام کند. و در کنار حل مشکل، از توانمند سازی خود و خانواده غافل نشود. یعنی مشکلات و نقاط ضعف ارتباطی خود، همسر و فرزندان را بشناسد و آموزش لازم برای فراگیری مهارت مورد نیاز را دریافت کند. در این موارد استفاده از کمک متخصصین روان شناس خانواده درمانگر یا زوج درمانگر می‌تواند کمک کننده‌باشد.

تعیین حد و مرزهای مشخص

یکی از بنیان های اساسی که باید در ابتدای زندگی مشترک ایجاد کرد تا ارتباط زوجین تقویت شود، تعیین حد و مرزهای مشخص فردی و تعیین حد و مرزهای مشخصی برای دایرهٔ زندگی مشترکشان است. در سایهٔ این حد و مرز مشخص، زندگی مشترک زوج در معرض هر دیگری قرار نمی‌گیرد و می‌تواند ارتباط سالم و طولانی مدتی با اقوام نزدیک دو طرف داشته باشند.

تفریحات دو نفره

انجام فعالیت‌های تفریحی دو نفره با زمان بندی مشخص مثلاً هفتگی یا ماهیانه و بدون حضور حتی فرزندان کمک بزرگی به حل و تلطیف مسائل زوجی خواهد کرد. گفتگو و نگاه داشتن نبض حیاتی زندگی یعنی حفظ ارتباط یکی دیگر از راهکارهای مهم و کمک کننده برای حل تعارض‌ها است.

یک رنگی و یکی شدن

داشتن شفافیت و یکی شدن در امور مالی، ارتباطی، خانوادگی و... را هم می‌توان در زمره راهکارهای کمک کننده به حفظ رابطه زوجین قرار داد. فرد متأهلی که به دلیل محیط پر تنش و داشتن مشکلات زیاد، که غیر قابل حل به نظر می‌رسند، با همسر خود مشکل دارد و تصمیم به جدایی گرفته‌است، می‌تواند قبل از اجرایی کردن تصمیم خود، از کمک متخصصین روانشناس زوج درمانگر استفاده کند.



کنند، به احتمال بیشتری پس از ۵۰ سالگی پیوند زناشویی خود را فسخ خواهند کرد. نبره السادت روحانی در ادامه افزود: پژوهش علمی دیگری علت طلاق خاکستری در سوئد را نداشتن پروژه مشترک دو نفره، تغییر شخصیت زوجین به دلیل بیماری های مرتبط با سن، فراغت و رهایی از مسئولیت فرزندان و استقلال آنها و آخرین ماجراجویی عاشقانه برای ایجاد و تجربهٔ حس جوانی ذکر کرده است. در آخر، می‌توان حرکت جامعهٔ سنتی ایران به سمت فردگرایی مدرنیته را از دیگر عوامل مؤثر بر طلاق خاکستری عنوان کرد. در جوامع سنتی نگرش و سبک زندگی جمع گراییانه میتواند موجب افزایش رضایت از زندگی زناشویی باشد. در نتیجه، در این جوامع حرکت به سمت فرد گرایی می‌تواند موجب عدم رضایت زوجین و جدایی و طلاق بشود.

راهکارهای مقابله با ناسازگاری های منجر به جدایی در سنین بالا

❖ اولین راهکار پیشنهادی این است که افراد با دورهٔ میانسالی و ویژگی‌های این دوره از زندگی خود بیشتر آشنا شوند تا بتوانند به نیازها و خواسته‌هایی که برایشان ایجاد شده است پاسخ های کار آمندتر و کم هزینه تری دهند. طلاق پاسخ پر هزینه‌ای است که مشکلات عاطفی، رفتاری و خطرات سلامتی جدی ایجاد خواهد کرد. مثلاً به جای تجربهٔ احساس جوانی با جستجوی عشق و ارتباط با دیگری، عشق و شور را در اهدافی تجربه کنند که از دل ارزش‌هایشان به دست آمده است. مثل بازی کردن و وقت گذرانی با فرزندان و نوه هایشان و با رسیدن به این اهداف حس جوانی را در خود ایجاد کنند. ❖سبک زندگی فعال همراه با ورزش و تغذیهٔ سالم انتخاب کنند و زمان‌هایی را به فعالیت‌های دلخواهی که همیشه دوست داشتند انجام دهند و آموزش و یادگیری در حوزه‌های مورد علاقهٔ خود اختصاص دهند.

❖ اهداف جدید ارزشمندی انتخاب کنند که به زندگی شان معنای عمیق‌تری بدهد، مثلاً در فعالیت‌های داوطلبانه و خیرخواهانه شرکت کنند. ❖ از نظر پزشکی سلامت خود را پایش کنند و ویتامین‌ها و مکمل‌هایی که بر خلق آنها تأثیرگذار و مورد نیاز بدنشان است را دریافت کنند. در صورتیکه بیماری‌های مزمنی مانند فشار خون و دیابت دارند، رژیم دارویی خود را رعایت کنند. در صورت ابتلا به دردهای مزمن یا بیماری‌های جدی مانند سرطان و غیره علاوه بر رعایت کردن رژیم دارویی و درمانی خود از متخصصین در حوزهٔ روانشناسی سلامت کمک بگیرند تا راجع به نگرانی هایشان گفتگو کرده و یاد بگیرند استقلال خود را پیدا کرده و با بیماری سازگارانه زندگی کنند. ❖ به وضعیت خواب خود توجه کنند. چون خواب تأثیر زیادی بر خلق و خو و وضعیت شناختی و روان شناختی افراد دارد. ❖ ارتباط های اجتماعی خود را تقویت کرده و در جمع گروه همسالان یا اجتماع هایی که با آنها اشتراک دارند شرکت کنند. ❖ در صورتی که بازنشسته شده‌اند، مشغول به فعالیت جانبی متناسب با شرایط خود شوند.

راهکارهای بهبود روابط زوجین

❖مهارت هایی مانند حل مسأله، کنترل خشم، گوش دادن فعال، برقراری ارتباط زوجی مؤثر، تعیین حد و مرزها، برنامه ریزی مشترک برای اوقات مشترک، برنامه ریزی مالی مشترک، شرکت در فعالیت‌ها و برنامه‌های مشترک، برگزیدن سبک زندگی فعال و کمک به یکدیگر برای اجرایی شدن برنامه ریزی ها و ... را با هم یاد بگیرند و در مسیر یادگیری همراه و همگام هم باشند. ❖ با تغییراتی که در همسر خود می‌بینند، از نظر سلامتی یا روان

با مراجعه به دادگاه‌های خانواده و شوراهای حل اختلاف متوجه اختلافات و ناسازگاریهای زوجین در سنین بالا می‌شویم. زوجینی که بیش از ۴ یا ۵ دهه با هم زندگی کرده‌اند و اکنون تاب تحمل ندارند. اما به راستی علت بروز این اختلافات چیست و برای حل آنها چه راهکارهایی وجود دارد؟ به گزارش ایرنا زندگی، مصطفی و فاطمه پس از ۵۰ سال زندگی مشترک، قصد جدایی دارند. آنها معتقدند از ابتدای ازدواج با هم مشکل داشتند و فقط بخاطر خانواده و فرزندانشان با هم زندگی می‌کردند و اکنون که فرزندانشان تشکیل خانواده داده‌اند قصد دارند از هم جدا شوند. مهری و حسین هر کلام بیش از ۷۰ سال سن دارند، حسین از بیماریهای متعدد همسرش خسته شده و میگوید من خودم نیاز به مراقبت دارم و نمی‌توانم به امور همسرم رسیدگی کنم. علی و نرگس با داشتن ۵ فرزند و ۱۲ نوه بخاطر بازنشستگی علی آقا با مشکلاتی مانند دخالت‌هایش در امور خانه مواجه شده اند. هرکدام از ما با نگاه به اطرافمان مثال های این چنینی زیادی می‌بینیم. میانسالان و کهنسالانی که بعد از سالها زندگی مشترک با یکدیگر ناسازگارند و حتی قصد جدایی دارند. در این خصوص با دکتر نیره السادت روحانی، کانبدیای دکتری روان شناسی سلامت دانشگاه خوارزمی به گفت و گو نشستیم.

میانسالی و آغاز بحرانها و تعارض های این دوره

دکتر روحانی پیش از پرداختن به عوامل مؤثر بر جدایی زوجین در میان سالی که آن را طلاق خاکستری می‌نامند، ابتدا توضیح مختصری در خصوص سومین دورهٔ زندگی میانسالی و اهمیت این دوره از زندگی داد و گفت: میانسالی دوره ای است که به سختی می‌توان آن را توصیف کرد، زیرا در نگرش و رفتارهایشان تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود. میانسالان، با تناقض‌هایی در ابعاد مختلف خود، مواجه هستند. مثلاً آنها همراه با تغییرات جسمی و افت تدریجی برخی از قسمت‌های بدن، شاهد افزایش عملکرد در ابعاد دیگر خود هستند. یا زمانی که در اوج شکوفایی حرفه ای و خلاقدگی خود هستند و احساس می‌کنند بر زندگی مسلط شده‌اند، متوجه کم شدن تسلط‌شان بر فرزندان‌شان می‌شود. جدیت آنان به دلیل گستردگی دامنهٔ مسئولیت‌هایشان در تضاد با این است که می‌بینند از لحاظ هیجانی نرم‌خو، گرم، پذیرا و نسبت به خانواده، همسر، فرزندان و دوستان عاطفی‌تر شده‌اند. وی ادامه داد: افراد در سنین ۴۰–۵۰ سالگی، متناهی بودن زمان، سرنوشت و شکست‌های گذشته را می‌پذیرند و به طرح دوبارهٔ پرسش‌هایی می‌پردازند که بتوانند معنای زندگی خود را بازبینی یا بازسازی کنند. فرد میانسال، بیشتر از قبل به مقولهٔ تمام شدن زندگی در این دنیا و پایان عمر فکر می‌کند. تا کنون فرد حساب می‌کرد که چند سال گذشته‌است، اکنون حساب می‌کند که چند سال مانده است. جمع این تضادها، گاهی باعث ایجاد تناقضی خسته کننده در آنها می‌شود. تاجایی که ممکن است به این نتیجه برسند که؛ آلاں می‌خواهم کارهایی را شروع کنم که دلم می‌خواهد. درصورتیکه، افراد میانسال نتوانند با تعارض‌های دورهٔ سنی و زندگی خود سازگار شود، حالت ناسازگارانه‌ای به نام بحران میانسالی را تجربه خواهد کرد. نحوهٔ کنار آمدن با بحران و تعارض های میانسالی بر تغییراتی که در آیندهٔ زندگی میانسالان اتفاق می‌افتد، مؤثر خواهد بود. در نتیجه، می‌توان علت جدایی برخی میانسالان را مواجههٔ ناکارآمد آنان با بحران و تعارض های میانسالی شان دانست.

علل بروز طلاق در میانسالی و کهنسالی

این روانشناس سلامت در بیان علل بروز طلاق در سنین بالا گفت: طلاق در هر سنی که اتفاق بیفتد، دلایل و علت‌های مختلف و پیچیدهای دارد. از عوامل تأثیرگذار بر جدایی می‌توان به دلایل فردی، بین فردی، دلایل محیطی و فرهنگی و همچنین، به شرایط زمانی و موقعیتی اشاره کرد. در بررسی علل طلاق باید برخی از متغیرهای جمعیت شناختی مانند سن، جنسیت، سطح تحصیلات و وضعیت اجتماعی- اقتصادی را نیز در نظر گرفت. برخی پژوهشگران ایرانی عواملی مانند دلخوشونت و سایر اختلافات رفتاری مانند اعتیاد، اختلاف‌های روان‌شناختی و عوامل ادراکی، عوامل اقتصادی و اجتماعی مانند فقر، سطح تحصیلات، خیانت، نداشتن توافق اخلاقی، اختلاف سن زیاد و مشکلات جنسی را عامل جدایی زوجین ایرانی دانسته‌اند. علاوه بر عوامل مشترک گفته شده، ادامه دار بودن تعارضات بین فردی و ناکارآمدی و فقدان مهارت‌های زناشویی، جدایی عاطفی، مشکلات حل نشده‌ی سالهای قبل و فرد شدن و استقلال فرزندان را هم می‌توان از عوامل تأثیر گذار بر جدایی میانسالان ذکر کرد. علاوه بر این، ممکن است تاب آوری میانسالان به دلیل شرایط جسمی و بیماری پایین بیاید. بازنشستگی یکی دیگر از بحران‌هایی است که میانسالان با آن مواجه هستند و می‌تواند بر روابط زوجین اثر بگذارد. دور از انتظار نیست اگر شرایط و بحران‌های اقتصادی حاکم بر جامعه و تنش حاصل از بی ثباتی این دوران را هم در زمرهٔ علل جدایی میانسالان قرار بدهیم؛ زیرا شرایط اقتصادی همبستگی مثبتی با استرس مالی و خطر طلاق خاکستری دارد و افرادی که نمی‌توانند به راحتی مخارج زندگی خود را تأمین

راوی قصه‌های مس و مینا

چه چالش‌هایی در مسیر تولید و فروش محصولات دارید؟

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های من در گذشته این بود که برای تولید آثار میناکاری، باید سه بار به استان اصفهان سفر می‌کردم. به دلیل نبود کوره در گلستان، پس از تولید آثار نیز باید دوباره به اصفهان می‌رفتم تا فرآیند پخت محصولات به پایان برسد. خوشبختانه اکنون کوره را تهیه کرده‌ام و این مشکل حل شده اما همچنان برای تامین مواد اولیه به اصفهان نیاز دارم. همچنین، یکی دیگر از مشکلات عمده، نبود امکان صادرات به دلیل نداشتن کارت بازرگانی است.

آیا تاکنون از سوی دستگاه‌های دولتی یا نهادهای مرتبط حمایتی دریافت کرده‌اید؟

حمایت‌هایی بوده اما کافی نیست. در گذشته، ادارات و سازمان‌ها از این هنر برای تهیه هدایای خود استفاده می‌کردند که باعث رونق فروش می‌شد اما این روند اکنون کمتر شده، علاوه بر این، برای عرضه محصولات به گردشگران داخلی و خارجی، نیاز به بازرچه‌ها و مراکز فروش دائمی داریم تا هنرمندان بتوانند آثار خود را بهتر معرفی کنند. همچنین، برای حمایت از تولیدکنندگان، سقف وام‌های دولتی باید به حدی برسد که نیازهای هنرمندان از جمله تاسیس کارگاه تولیدی و تامین مواد اولیه را پوشش دهد.

میزان درآمد شما از فروش آثار چطور است؟ آیا درآمد حاصل از هنر میناکاری برای شما به عنوان یک شغل پایدار محسوب می‌شود؟

میزان درآمد من کاملاً متغیر است. هنر میناکاری به عنوان یک هنر لوکس شناخته می‌شود و همیشه فروش آن ثابت نیست. گاهی درآمد من به کمترین میزان می‌رسد، اما در مواقعی که در نمایشگاه‌ها شرکت می‌کنم یا مشتریان خاصی داشته باشم، درآمد من می‌تواند به ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان در ماه برسد.



با توجه به اینکه میناکاری هنر اصفهانی‌هاست، آیا در استان گلستان توانسته‌اید علاقه‌مندان و مخاطبانی پیدا کنید؟

هنر میناکاری یک هنر جهانی است و در بسیاری از مناطق به‌ویژه در اصفهان و مناطقی با آب و هوای خشک، شناخته شده‌تر است. در گلستان به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و آب و هوایی، این هنر خیلی ملموس نیست و تنها افراد خاصی به این هنر علاقه دارند. به‌طور کلی، میناکاری در اینجا هنوز نتوانسته به شهرتی که در اصفهان دارد، برسد.

میزان تولید آثار شما چقدر است و آیا آموزش به هنرجویان هم دارید؟

میزان تولید بستگی به سفارشات و نیازهای بازار دارد. در حال حاضر، دو هنرجو به‌طور مستقیم با من همکاری دارند و در کنار آن، خودم هم تعدادی هنرجو را آموزش داده و تربیت کرده‌ام. این فرآیند آموزش و تربیت هنرجو برای من خیلی مهم است چرا که می‌خواهم این هنر را در استان گلستان بیشتر ترویج دهم.

خانم اصغرزاد! چطور با هنر میناکاری آشنا شدید و چه مسیری را برای ورود به این هنر طی کردید؟

از سال ۱۳۹۶ در زمینه میناکاری روی مس فعالیت می‌کنم. تحصیلات دانشگاهی من در رشته کشاورزی بوده اما از همان دوران کودکی علاقه زیادی به هنر داشتم. آشنایی من با این هنر به واسطه دوستی با یک هنرمند اراکی آغاز شد.

چرا هنر میناکاری در گلستان چندان شناخته نیست و رونق ندارد؟

استان گلستان به‌طور کلی در زمینه برخی از هنرهای دستی از جمله میناکاری روی مس پیشرفت زیادی نداشته است. در ابتدا هیچ استاد مجربی برای آموزش میناکاری وجود نداشت و از آنجا که خودم در این زمینه به‌طور خودآموز پیش رفتم، بسیاری از مواقع تنها بوم و آزمون و خطا کردم. استان گلستان نسبت به اصفهان که مرکز اصلی این هنر است به دلیل بُعد مسافت، تعاملات کمتری دارد و به همین دلیل این هنر در اینجا پیشرفت چندانی نداشته است.

میناکاری روی مس، هنری با رنگ‌های فیروزه‌ای و آسمانی، نه تنها بخشی از هویت فرهنگی ایران بلکه در جهان نیز شناخته شده است. این هنر که در اصفهان به شکوفایی رسیده، در استان گلستان هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده اما سمانه اصغرزاد، هنرمندی گرگانی با تلاش‌های بی‌وقفه در حال تغییر این وضعیت است. به گزارش ایرنا، استان گلستان، با تاریخ و فرهنگ غنی خود از جمله مناطقی است که در زمینه تولید صنایع دستی، جایگاه ویژه‌ای در کشور دارد. این استان با تنوع اقلیمی و قومیتی خود، یکی از قطب‌های مهم در تولید صنایع دستی ایران به شمار می‌رود. گلستان، با تنوع قومیتی و فرهنگی بی‌نظیر خود، از دیرباز یکی از کانون‌های تولید صنایع دستی در ایران بوده است. از بافته‌های ترکمنی با نقش‌ونگارهای اصیل گرفته تا سفالگری و حصیربافی اقوام بومی، این سرزمین همواره بستری برای خلاقیت و هنر بوده است. صنایع دستی گلستان نه تنها بخشی از هویت فرهنگی این منطقه را تشکیل می‌دهند، بلکه روایتگر تاریخ و سنت‌های مردمانی هستند که با دستان خود، زیبایی را به زندگی روزمره پیوند زده‌اند. با این حال، برخی از هنرهای سنتی مانند میناکاری روی مس در گلستان هنوز در سایه قرار دارند. در این میان، هنرمندانی چون سمانه اصغرزاد با پشتکار و عشق به هنر، در تلاشند تا این هنرها را در گلستان احیا کرده و به جایگاه شایسته‌ای برسانند. میناکاری روی مس، با رنگ‌های آسمانی و طرح‌های ظریف خود، یکی از برجسته‌ترین هنرهای سنتی ایران است که در جهان نیز شهرتی بی‌نظیر دارد. این هنر که قدمتی چندصدساله دارد، در اصفهان به اوج خود رسیده و نمادی از فرهنگ و هنر ایرانی است اما در گلستان، این هنر هنوز در ابتدای راه است. تفاوت‌های اقلیمی، کمبود زیرساخت‌های آموزشی و فاصله با مراکز اصلی تولید، از جمله دلایلی هستند که مانع رشد این هنر در این منطقه شده‌اند. اصغرزاد با اراده‌ای پولادین و عشقی بی‌پایان به هنر میناکاری، این گنجینه فرهنگی را در دل مردم گلستان زنده کرده است. او با پشتکار خستگی‌ناپذیر، تحولی در این هنر بدیع رقم زده و با وجود موانع بسیار، همچنان رویای گسترش میناکاری را در بازارهای داخلی و جهانی در سر می‌پروراند.

زنگ خطر پیری جمعیت به صدا درآمده است

رهبر معظم انقلاب بر ضرورت ایجاد نظامات اجتماعی برگرفته از اجتهاد حوزه تأکید کرده‌اند. امام جمعه موقت گرگان، حوزه علمیه قم را فراتر از مرزهای ایران، قطب علمی جهان اسلام خواند و گفت: صلحا طلبه اهل سنت از کشورهای مختلف برای فراگیری علوم دینی به قم می‌آیند و این حوزه، مرجعیت فکری انقلاب اسلامی را نمایندگی می‌کند. در ادامه خطبه‌ها، مهاجرمآزندرانی نسبت به روند نزولی زاد و ولد و افزایش میانگین سنی جمعیت هشدار داد و آن را بحرانی واقعی توصیف کرد. وی گفت: مشکلات اقتصادی، بیکاری، بحران مسکن و ضعف حمایت‌های اجتماعی، جوانان را از ازدواج و فرزندآوری دور کرده است. اگر این روند اصلاح نشود، کشور با بحران‌های جدی جمعیتی روبرو خواهد شد. وی همچنین با گرامیداشت هفته جهانی صلیب سرخ و هلال احمر، از امدادگران و داوطلبان هلال احمر گلستان به عنوان نماد ایثار و مسئولیت اجتماعی در شرایط بحرانی قدردانی کرد.



امام جمعه موقت گرگان نسبت به بحران کاهش جمعیت در این استان هشدار داد. حجت‌الاسلام محمد مهاجرمآزندرانی، در خطبه‌های نماز جمعه، با گرامیداشت ۳۳ اردیبهشت‌ماه، سالروز لغو قانون کاپیتولاسیون به فرمان امام خمینی (ره)، این واقعه را نماد بیداری ملت ایران و مقاومت در برابر سلطه بیگانگان توصیف کرد. وی افزود: فریاد امام علیه کاپیتولاسیون، خواب مستکبران را برهم زد و در تاریخ طنین‌انداخت. مهاجرمآزندرانی با استناد به گفته علی شریعتی، روحانیت اصیل را تنها نهاد بومی و تاریخی مقاومت در برابر استعمار دانست و افزود: در نهضت مشروطه، قیام جنگل و مبارزات روحانیونی چون مدرس، کاشانی، طالقانی و امام خمینی، روحانیت نقش ستون فکری استقلال ایران را ایفا کرده نه تنها با سفارتخانه‌های خارجی همراه نشد، بلکه در کنار مردم فریاد عزت سر داد. وی همچنین با اشاره به پیام رهبر انقلاب در صدمین سال تأسیس حوزه علمیه قم، تأکید کرد: